

جنبش دانشجویی، جدال جناح‌ها و بن بست اصلاحات

پس از صدور حکم اعدام یکی از مهره‌های جناح اصلاح‌طلب، جنب و جوش انجمن‌های اسلامی دانشگاه‌ها جانی دوباره یافت. با گسترش گردهمایی‌های دانشجویان اصلاح‌طلب در ۱۶ آذر، اعتراضات پراکنده‌ای نیز به حمایت از این تجمعات صورت گرفت. در مواردی نیز زدوخوردهایی میان دسته‌های معترض با مأموران ضد شورش بوقوع پیوست. آنچه رخدادهای کنونی را از وقایع مشابه سال‌های پیشین متمایز می‌سازد، ژرفای شکاف در صفوف نیروهای اصلاح‌طلب است. در میان برخی از تجمعات دانشجویی فرم‌های نظرسنجی و اطلاعیه‌های کوتاهی مبنی بر خواست کناره‌گیری خاتمی از قدرت پخش گردید. نمایندگان دفتر تحکیم وحدت در سخنرانی‌های خود به سران دولت هشدار داده و به آنان گوشزد کردند که با شکست جنبش دانشجویی، خیزش‌های مستقل و انقلابی موجودیت کلیت نظام را به خطر خواهد انداخت.

مصطفی تاج‌زاده، یکی از اعضای رهبری سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در سخنرانی خود به مناسبت روز دانشجو گفت: «نباید تصور شود که هر زمان و به هر سمت که قدرت ارده کند مردم ایران باید همان گونه و به همان طرف حرکت کنند». وی ضمن اشاره به نگرش‌هایی مختلف به جنبش دانشجویی، وضعیت کنونی این جنبش و تحرکات آن در دفاع از آماجری را بهترین حالت ممکن در دوره حیات آن دانست. یک عضو مرکزی دفتر تحکیم وحدت (منتخب علامه) طی سخنانی در میزگرد «ضعف‌ها و آفت‌ها و مخاطرات جنبش دانشجویی» گفت:

«متأسفانه بعد از این که جنبش دانشجویی توانست از جایگاه و پایگاه دانشجویی خود افرادی را به جایگاهی از قدرت برساند دچار یک نوع سیاست‌زدگی و سهم‌خواهی از قدرت شده است. کسانی که سعی می‌کنند جایگاه‌های قدرت و سیاست را از پلکان جنبش دانشجویی طی کنند، بدانند استقلال سیاسی خواست جنبش دانشجویی است. احزاب سیاسی متأسفانه بخش‌هایی از دانشجویان را سپر اهداف سیاسی خود می‌کنند.» وی در ادامه گفت که «حاضریم خاکریز باشیم اگر اهداف سیاسی افراد، خواست عمومی ملت باشد و هزینه‌ها بپردازیم، اما اگر اهداف سیاسی، تسخیر قدرت و حاکمیت از طریق جنبش دانشجویی باشد این خواست ما نیست.»

بیانیه‌های متعددی نیز بوسیله انجمن‌های اسلامی دانشگاه‌ها منتشر گشت. بنا به خبرگزاری ایسنا، انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران ضمن تاکید بر جایگاه این جنبش در دفاع از منافع بنیادی کلیت نظام اسلامی به نقش بسیج دانشگاه‌ها در تهاجم به گردهمایی‌های قانونی اعتراض نمود. همچنین انجمن اسلامی دانشجویان دانشکده‌ی تغذیه و صنایع غذایی دانشگاه شهید بهشتی نیز ضمن اشاره به جنبش ملی و محمد مصدق، بطور غیرمستقیم بر جایگاه ضد استبدادی جنبش دانشجویی انگشت نهاد. با این وجود بخش‌های قابل توجهی از محافل و گروه‌های متشکل جنبش دانشجویی امکان ابراز وجود

نیافتند. محافظی از هواداران جریان موسوم به ملی مذهبی‌ها کوشیدند تا شعار رفراندوم را به خواست اصلی جنبش اصلاح طلب مبدل سازند. این طیف از حمایت رسمی و غیررسمی جناح سوسیال دموکراسی و چپ اپوزیسیون رژیم اسلامی نیز برخوردار می‌باشد.

یکی از معضلات پایه‌ای حکومت اسلامی که در قانون اساسی آن نیز تبارز یافته تناقض میان سیستم جمهوری و سیستم شبه سلطنتی ولایت فقیه‌ی می‌باشد. این معضل در سراسر حیات ننگین این رژیم و جناح‌بندی‌های تاکنونی آن نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است. اکنون در دنیای بعد از نظم جنگ سرد، بورژوازی در ایران نیز همانند دیگر کشورهای تحت حاکمیت استبدادی برای انطباق ساختار سیاسی و دولتی با نیازهای سرمایه‌داری جهانی دست بکار شده است. مقاومت شیوخ و فقه‌های مذهبی و دسته‌های شبه نظامی که تاکنون قدرت را در دست داشته‌اند محتوم به شکست است.

اکنون ۵ سال از پیروزی جبهه دوم خرداد و قدرت‌گیری اصلاح‌طلبان در ایران می‌گذرد. پنج سال است که اخبار زدو خورد میان «لباس شخصی‌ها» و تجمعات دانشجویی در درون و اطراف دانشگاه‌ها، در مرکز اخبار رسانه‌های خبری و توجه افکار عمومی قرار گرفته است. پنج سال است که اعتراضات دانشجویی مبدل به شاخصی برای ژرفای بحران سیاسی در بالا شده است. پنج سال است که نیروهای راست و چپ اپوزیسیون رژیم اسلامی، هر یک به طریقی، در نقش گردان‌های «مستقل» جنبش اصلاح‌طلبی ظاهر شده و در هر زدو خورد دسته‌های ارتجاعی کارگران و مردم را فراخوانده‌اند تا در «جنبش انقلابی و در دفاع از دموکراسی به دانشجویان مبارز بپیوندند».

برخلاف توهم‌پراکنی‌های احزاب چپ و راست بورژوازی اپوزیسیون رژیم اسلامی، کمونیست‌های انترناسیونالیست از ابتدا نیز اعلام کرده‌اند که جنبش اصلاح طلب هدفی جز به انجام رساندن تحولات دولتی و اصلاح نظام موجود ندارد. روشن است که در غیاب یک قطب کمونیستی، مردم جان به لب آمده، هرگونه تحول و اصلاح را به امید آینده‌ای بهتر، حمایت کنند. کمونیست‌ها اما بیان آشکار اهداف و مواضع خود، با افشای جوهر واقعی تحولات یاد شده، بر لزوم یک دگرگونی بنیادی، بر ضرورت براندازی نظم موجود از طریق انقلاب کمونیستی پای می‌فشارند.